

مردم شناسی و روان شناسی هنری

تألیف: دکتر جابر عناصری

چاپ اول، ۱۳۶۸

انتشارات: اسپرک

صفحات: ۳۵۲ صفحه

● هایده قره یاضی

کارشناس ارشد مردم شناسی

مردم شناسی هنری از شاخه های مردم شناسی است که به روابط نزدیک ولی پیچیده این دو در جامعه قدیم و جدید توجه داشته است. امروزه نگرش نوینی به ارتباط این گونه دانش ها با جلوه های هنر در جوامع گوناگون ایجاد شده است.

کتاب مردم شناسی و روان شناسی هنری در دو بخش مجزا با فصول متعددی تدوین شده است. بخش اول کتاب با عنوان مردم شناسی هنری، شامل مقدمه و یازده فصل با مباحث متنوعی است و بخش دوم اختصاص به موضوع روان شناسی هنری داشته و پس از ذکر مقدمه ای با عنوان درآمدی بر ارتباط هنر و روان، یازده فصل دیگر به مباحث آن افزوده شده است.

کتاب حاضر با طرح مباحث مختلفی در زمینه مردم شناسی هنری و روان شناسی هنری، بستر نظری لازم را جهت تحلیل موضوعات پیچیده و گسترده تر در حیطه این شعب از علوم فراهم می آورد. اتصال و پیوند مستحکم و دیرینه دانش های مردم شناسی و روان شناسی با هنر، توجه مؤلف محترم را به خود جلب کرده و سبب گشته است تا مؤلف با نگاهی نووانگیزه ای در خور توجه ارتباط این علوم را با هنر و جلوه های گوناگون آن مورد بحث و بررسی قرار دهد.

همان گونه که می دانیم مردم شناسی هنری از شاخه های مردم شناسی است که به روابط نزدیک ولی پیچیده این دو در جوامع قدیم و جدید توجه داشته و اگرچه در حال حاضر در کشورهای پیشرفته بسط و توسعه قابل توجهی یافته است - شاید بتوان گفت که این شاخه یکی از جذاب ترین حوزه های تخصصی مردم شناسی است - اما متأسفانه در ایران و در مراکز دانشگاهی مطالعات و تحقیقات از این قبیل بسیار محدود است و عمق و گستره کافی کسب نکرده است.

در حال حاضر نگرش نوین و عمیقی نسبت به ارتباط این گونه دانش ها با اشکال و جلوه های هنر در جوامع گوناگون ایجاد شده است، تا بتوان از این طریق به طور فزاینده به کارکردها و تأثیرات هنر در فرهنگ و روان مردم پی برد.

در این کتاب تأکید نویسنده بر این است که دانش مردم شناسی که نمایانگر آداب و رسوم و سنن جوامع است با هنر و جلوه های آن مرتبط و به طرز چشمگیری در زندگی و فرهنگ مردم راه یافته است. در این ارتباط مؤلف کتاب در مقدمه خویش چنین بیان می کند که:

«متأسفانه نقش و پایگاه هنر در قلمرو مردم شناسی، تاکنون به دقت و رغبت کامل، به صورت جدی مشخص نگشته و مدارک چشمگیری از باب تحقیق در این زمینه در دست نیست.» در ادامه مؤلف چنین می افزاید که:

«هر چند مردم شناسان همواره به ارزش هنر در جامعه وقوف داشته اند، ولی در سال های اخیر بود که

نمونه هایی از «فرهنگ مادی» هنرمندان و فرهنگ معنوی مبتنی بر آیین ها و نمایش های مردمی، موسیقی و رقص و هنرهای تجسمی و... مورد توجه مردم شناسان و مردم نگاران قرار گرفت.»

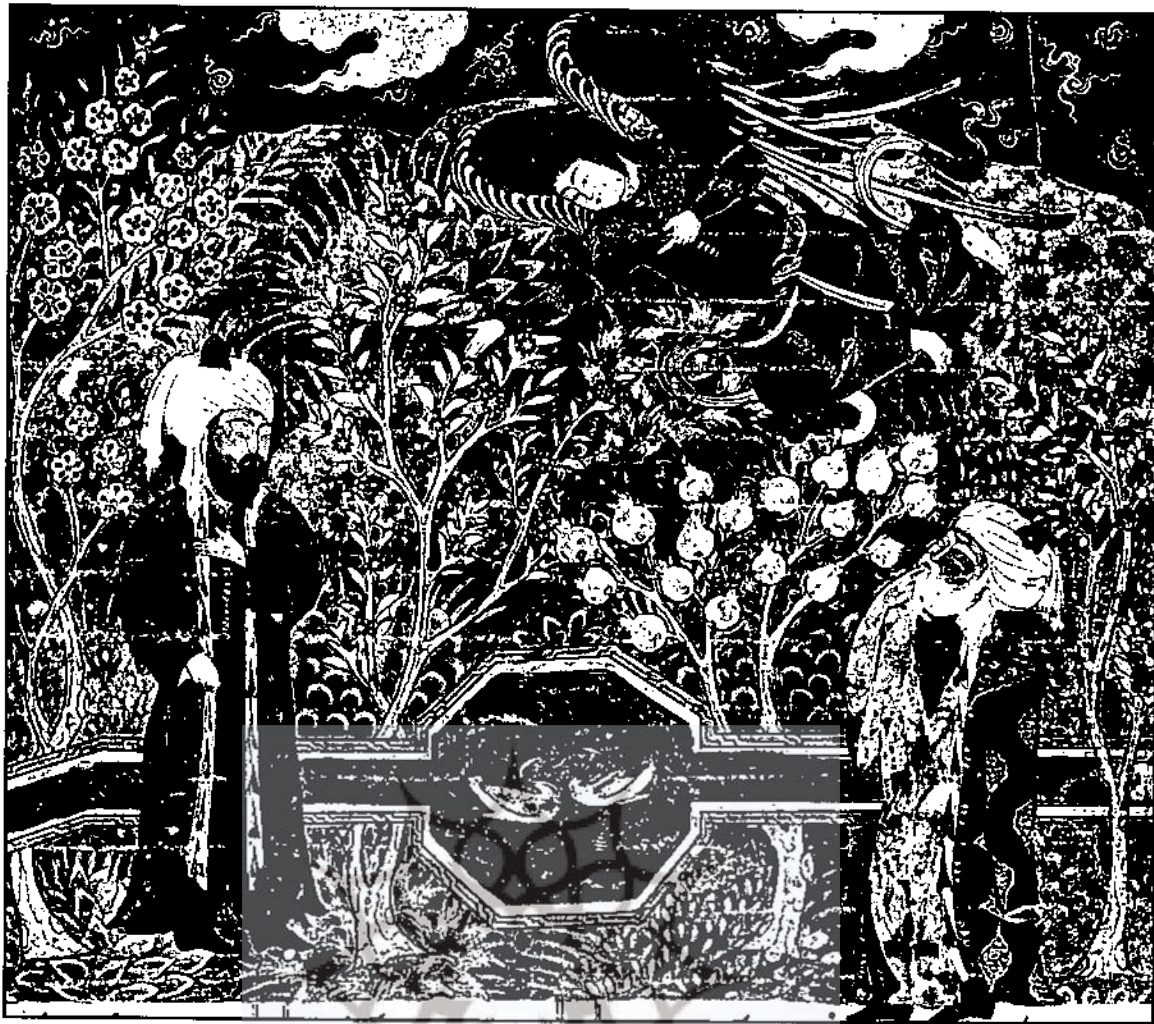
در بخش دیگر کتاب تحت عنوان روان شناسی هنری نیز مؤلف ابتدا در مقدمه نسبتاً مفصل خویش تعاریفی از روان شناسی هنری و تاریخچه این علم را ارائه داده است و سپس به طرح و بیان آراء و نظرات اندیشمندان و صاحب نظرانی چون فروید، آدره زید، بودز، ارنت رنان، گوت و آلفرد وان برگر در باب پیوند «هنر و روان»، نقد روانکاوانه هنری و هنر درمانی پرداخته است.

مؤلف در این بخش تأثیر خلق یک اثر هنری را در اعتدال و آرامش روان هنرمند و درمان بیماری های روانی به شیوه های ذوقی و هنری از طریق تئاتر، سینما، موسیقی، نقاشی و هنرهای دستی مورد توجه و کنکاش قرار داده است.

مؤلف تا اندازه ای در تبیین مسائل مطروحه موفق بوده و از این نظر این اثر حاوی نکات مفیدی است و مطالعه آن به دانشجویان علوم مرتبط توصیه می شود. اما در کنار محاسن و سودمندی های این کتاب که نگارش و انتشار آن بین کتب مردم شناسی و روان شناسی مغتنم شمرده می شود اشکالات و کاستی هایی وجود دارد که در این جا به برخی از آنها



کتاب خانه هنر امروزین، تاشهرپور، ۱۳۸۷



اشاره می‌شود:

- در حالی که حجم مطالب و زیر تقسیمات بخش‌ها نسبتاً متناسب و دارای انسجام منطقی است اما مباحث کتاب غالباً کلی است و فاقد رویکردهای مردم‌شناختی و روان‌شناختی نوین است. به طور مثال مؤلف در بخش مردم‌شناسی هنری می‌توانست از آراء و نظرات مردم‌شناسان برجسته‌ای چون لوی استروس یا لوراگوران که در این زمینه صاحب‌نظرند بهره‌جوید.

- همچنین جا داشت که پس از طرح مهم‌ترین نظرات معاصر مربوط به دانش‌های مردم‌شناسی هنری و روان‌شناسی هنری، آن آراء، مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

- نویسنده محترم در برخی فصول بیشتر به طرح و بیان نظرات خویش اکتفا کرده و در این راستا کمتر به نیازهای آموزشی و پژوهشی دانشجویان و مراکز علمی توجه شده است.

- عمده‌ترین کاستی مربوط به کتاب حاضر غیر تخصصی بودن برخی مباحث است. به طور مثال فصل سوم از بخش اول یعنی مردم‌شناسی هنری که تحت عنوان پایگاه هنرهای تجسمی در باورهای عامه است، نثر این فصل و برخی فصول دیگر مشابه به آن، نوعی قرابت با داستان‌نویسی و متون ادبی دارد که ارزش علمی اثر را می‌کاهد.

- در برخی فصول و صفحات کتاب نیز سبک

نگارش، توصیه‌گونه و همراه با بند و اندرز می‌باشد مانند: مطالب مندرج در صفحات ۶۸ و ۶۹ که این‌گونه عنوان شده‌است:

«چرخ موزون سفالگران هزار نقش زده بر سفالها را از چرخش نیاندازیم که صدها خاطره پر کوزه‌ای یا کاسه‌ای به نقش از خویشتن به یادگار می‌گذارند. در زخمه‌های تار «عاشیق‌ها» این نوازندگان سرگردان هزاران حدیث نهفته است. اهل دل و معنی باشیم و جان خستگی برای این اهل دل به همراه نیاوریم و به گوش جان به تقمه‌هایشان گوش دهیم. بر دستهای این هنرمندان برخاسته از قلب مردم بوسه زنیم. پاسشان داریم و با قدردانی چشمان خسته‌شان را پر نور سازیم. امیدواریم که چنان شود.»

- در این کتاب به مسائل متنوعی در خصوص مردم‌شناسی هنری و روان‌شناسی هنری پرداخته شده که در نهایت اطلاعات کلی و گاه پراکنده در اختیار دانشجویان مردم‌شناسی، روان‌شناسی و هنر و سایر علاقه‌مندان گذارده می‌شود و بهتر بود مؤلف محترم به جای طرح دو مبحث جداگانه و مستقل در کنار یکدیگر به تألیف و بررسی یکی از آن دو موضوع اکتفا کرده و با دقت و تفحص بیشتر و عمیق‌تری بدان همت می‌گماشت.

در بخش مردم‌شناسی هنری، تبیین و تحلیل مباحثی از قبیل هنر ماقبل تاریخ، درک زیبایی از سوی

انسان اولیه، آثار هنری مربوط به غارها، نقاشی و رنگ‌آمیزی بدن، هنر در کار افزار و ابزار شکار، مفهوم هنر دیواره‌نگاری و تصاویر و نشانه‌ها، هنر نزد مردمان بدوی و مردمان متمدن و ... مورد توجه قرار نگرفته و در صورتی که این‌گونه مباحث تخصصی به سایر مطالب افزوده می‌شد بی‌تردید بر غنای کتاب می‌افزود.

- همچنین در برخی از صفحات و بخش‌های کتاب اشکالات ویرایشی و ادبی به چشم می‌خورد که به نظر می‌رسد مسئولیت این‌گونه اشکالات برعهده ناشر است.

- در برخی از مباحث کتاب صرفاً به توصیف اشاره وار یک رسم یا آیین اکتفا شده و نگارنده با توضیحات تخصصی‌تر و جامع‌تری خواننده را نسبت به وجوه آن رسم یا رفتار، علت شکل‌گیری و تغییر و تحولات آن در دوره‌های مختلف زمانی آشنا نکرده است.

- کاستی و نقصان فنی دیگری که در کتاب مشهود است، حروفچینی نامناسب آن می‌باشد چرا که غالباً فواصل نامناسب بین کلمه‌های همجواری وجود دارد و باعث شده که برخی کلمات به کلمات بعدی بچسبند و در نهایت قرائت برخی واژه‌ها خصوصاً کلمات نامأنوس برای خواننده دشوار شود.

در مجموع کتاب از نظر تنوع سودمند بوده و به رغم برخی کاستی‌ها و ایرادات طرح شده، تلاش نویسنده محترم قابل تقدیر است. □